



از دواج کودکان

کنکاشی در صد سفرنامه دوران صفویه و قاجاریه



عهدیه اسدپور

از دواج کودکان

سرشناسه	: اسدپور، عهدیه،
عنوان و نام پدیدآور	: ازدواج کودکان: کنکاشی در صد سفرنامه دوران صفویه و قاجاریه/ عهدیه اسدپور.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۵ص؛ ۲۱×۱۴/۵س.م.
شابک	: ۹-۳۸-۲۴۶-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۳۸۵] - ۴۰۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: کنکاشی در صد سفرنامه دوران صفویه و قاجاریه.
موضوع	: ازدواج کودکان -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۰ق. - ۱۴
موضوع	: Child marriage-- Iran -- Sociology -- 16 - 20th century
موضوع	: ازدواج کودکان
موضوع	: Child marriage
موضوع	: سفرنامه‌ها -- تاریخ و نقد
موضوع	: Travelers' writings -- History and criticism
موضوع	: ایران -- سیر و سیاحت -- قرن ۱۰ق. - ۱۴
موضوع	: Iran -- Description and travel -- 16 - 20th century
رده بندی کنگره	: HQ۷۸۴
رده بندی دیویی	: ۳۰۵/۳۳۰۹۵۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۷۸۰۸۱

از دواج کودکان

کنکاشی در صد سفرنامه دوران صفویه و قاجاریه

تالیف:

عهدیه اسدپور



ازدواج کودکان

کنکاشی در صد سفرنامه دوران صفویه و قاجاریه

نویسنده:

عهدیه اسدپور

چاپ اول: ۱۳۹۹
شمارگان: ۴۴۰ نسخه
لیتوگرافی: باختر
چاپ: رامین
قطع: رقعی
صفحه‌آرایی: احمد علی‌پور

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۶-۰۳۸-۹

حق چاپ محفوظ است.



تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین -
خیابان شهدای زاندارمری - بن بست گرانفر - پلاک ۴
تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۱۲۳۵۸



Www.elmpub.com



info@elmpub.com



nashreelm

فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار
۲۳	فصل اول: کلیات
۲۳	سفرنامه‌ها
۲۹	اسامی مسافران خارجی
۳۰	دُن گارسیا دسیلوا فیگوئرا
۳۱	پیترو دلاواله
۳۱	ژان باپتیست تاورنیه
۳۲	آدام آلتاریوس
۳۳	ژان شاردن
۳۳	انگلبرت کمپفر
۳۴	جملی کاری
۳۵	ژان اوتر
۳۶	آنتوان گیوم اولیویه
۳۶	سرجان ملکم
۳۷	پیر آمده ژوبر
۳۷	هنری پاتینجر
۳۸	گاسپار درویل

- ۳۸..... موریس دو کوتز بوئه
- ۳۹..... جیمز بیلی فریزر
- ۳۹..... الکسیس سولتیکف
- ۴۰..... آکس بارنز
- ۴۰..... کنت دوسرسی
- ۴۱..... سراوستن هنری لایارد
- ۴۱..... اوژن فلاندن
- ۴۲..... یاکوب ادوارد پولاک
- ۴۲..... ژوزف آرتور گوپینو
- ۴۳..... سی باین و فردریک هوسه
- ۴۳..... چارلز فرانسیس مکنزی
- ۴۴..... هینریش کارل پروگش
- ۴۴..... ارنست هولتسر
- ۴۵..... آرمینیوس وامبری
- ۴۵..... ژولین دو روششوار
- ۴۶..... کارلا سرنا
- ۴۶..... یوشیدا ماساهارو
- ۴۷..... توبویوشی فورو کاوا
- ۴۷..... ژان دیولافوا
- ۴۸..... سمیوئل گرین ویلر بنجامین
- ۴۹..... ادوارد براون
- ۴۹..... جرج ناتانیل کرزن
- ۴۹..... ژان ژاک ماری دومرگان
- ۵۰..... ژوانس فووریه
- ۵۰..... ایزابلا بیشوپ
- ۵۱..... جان ویشارد
- ۵۲..... گرترود لاوتین بل

۵۲	چارلز ادوارد بیت
۵۳	هانری رنه دالمانی
۵۳	یه ناگا تویوکیچی
۵۴	پیر لوتی
۵۵	ماساجی اینووه
۵۵	آبراهام والننتاین ویلیامز جکسن
۵۶	سوزوکی شین جو
۵۶	ه. ل. رابینو
۵۷	اوژن اوین
۵۷	هوگو گروته
۵۸	نیکیتین
۵۸	آرنلد ویلسن
۵۹	اسکارفن نیدرمایر
۶۰	ویبرت بلوشر
۶۱	اِف. آل برد و هارولد اِف وستون
۶۲	فرانسیس فوربز - لیث
۶۲	بارون کلمنت اوگوستوس دوئد
۶۳	کلود انه
۶۳	کلارا کولیور رایس
۶۴	هانری بایندر
۶۵	چارلز جیمز ویلز
۶۶	تعریف مفاهیم
۶۶	کودک
۶۷	ازدواج
۶۸	ازدواج کودکان
۶۸	اهمیت تشکیل خانواده
۷۰	ازدواج؛ قدم اول برای تشکیل خانواده
۷۳	ازدواج کودکان و کارکردهایش!

- فصل دوم: عمومیت ازدواج کودکان ۷۵
- ازدواج کودکان؛ امری عمومی ۷۵
- ازدواج کودکان بر حسب دین و قومیت ۸۱
- ارمنیان ۸۱
- یهودیان ۸۲
- زرتشتیان ۸۳
- بختیاری‌ها ۸۳
- ترکمن‌ها ۸۴
- تجرد مفهومی نامفهوم ۸۵
-
- فصل سوم: بلوغ؛ معیار ازدواج کودکان ۸۹
- تعریف بلوغ ۸۹
- بلوغ به مثابه‌ی معیار ازدواج کودکان ۹۱
- نامزدی و ازدواج در دوران طفولیت ۹۴
- علل نامزدی در دوران طفولیت ۹۹
- ۱- فقر خانواده‌ها ۹۹
- ۲- محافظت از دختران در برابر پادشاهان و اربابان ۹۹
- ۳- استحکام روابط خویشاوندی ۱۰۱
-
- فصل چهارم: ازدواج کودکان؛ امری غیرشخصی ۱۰۵
- بی‌دیداری کودک-زوجین ۱۰۵
- ترتیب‌دهندگان ازدواج کودکان ۱۱۳
- الف) دلاله‌ها ۱۱۳
- ب) خانواده‌ها ۱۲۲
- اولین دیدار کودک-زوجین ۱۲۴

فصل پنجم: تشریفات ازدواج کودکان.....	۱۲۹
گونه‌گونی تشریفات ازدواج کودکان.....	۱۲۹
مسلمانان.....	۱۳۰
مراسم شیرینی‌خوران.....	۱۳۰
مراسم عقدکنان.....	۱۳۴
مراسم عروسی.....	۱۳۹
ارمنیان.....	۱۵۲
زرتشتیان.....	۱۷۱
بختیاری‌ها.....	۱۷۴
ترکمن‌ها.....	۱۷۹
کرده‌ها.....	۱۸۴
بلوچ‌ها.....	۱۸۶
فصل ششم: علل ازدواج کودکان.....	۱۸۹
سفارشات دین مبین اسلام.....	۱۹۰
رسوم و سنت‌ها.....	۱۹۵
سهولت ازدواج.....	۱۹۷
علل سیاسی.....	۲۰۱
محافظت از کودک-دختران در برابر اعضای خاندان سلطنت.....	۲۰۴
وضع قوانین.....	۲۰۹
مبادله کودکان در قالب ازدواج.....	۲۱۰
پایین بودن میانگین طول عمر.....	۲۱۴
خون پَس.....	۲۱۷
فصل هفتم: پیامدهای ازدواج کودکان.....	۲۲۱
زندگی بزرگسالانه‌ی کودکان پس از ازدواج.....	۲۲۱
پذیرش مسئولیت‌های خانه‌داری.....	۲۲۲

- ۲۳۰..... مبتلاشدن به انواع بیماری‌ها
 ۲۳۱..... بیماری‌های آمیزشی
 ۲۳۳..... تجربه خشونت
 ۲۴۰..... فرزندآوری و تجربه کودک-مادری
 ۲۴۸..... از دست رفتن زیبایی و پیری زودرس
 ۲۵۳..... طلاق و تجربه کودک-مطلقگی
 ۲۵۵..... دلایل طلاق
 ۲۵۵..... عدم باکرگی و پاکدامنی کودک-زن
 ۲۶۱..... نازایی کودک-زن
 ۲۶۵..... دخترزایی و مرگ فرزند
 ۲۷۰..... عیوب جسمانی کودک-زن
 ۲۷۳..... پیامدهای ازدواج کودکان در سطح کلان

 ۲۸۱..... فصل هشتم: راهکارها
 ۲۸۲..... الف) باورمندی به «قضا و قدر» و «قسمت»
 ۲۸۳..... ب) توسل به «جادو و طلسم»
 ۲۸۵..... جادو
 ۲۸۶..... طلسم
 ۲۸۷..... گستره‌ی باور به جادو و طلسمات در عصر صفوی و قاجاری
 ۲۹۱..... موارد بکارگیری طلسمات جهت تداوم بخشی نظام خانواده
 ۲۹۴..... ج) دعانویسی
 ۲۹۶..... باورمندی به قسمت و توسل به طلسمات به عنوان امری زنانه
 ۳۰۳..... فصل نهم: ناهمسازی سنی در ازدواج کودکان
 ۳۰۳..... کفویت سنی در ازدواج
 ۳۰۴..... متون ادبی و تاریخی
 ۳۰۵..... شیخ بهایی
 ۳۰۵..... ابوالعلاء معری

- عبدالرحمان جامی..... ۳۰۶
- جلایی..... ۳۰۸
- سعدی..... ۳۰۹
- میرزا علی اکبر صابر..... ۳۱۰
- مسافران خارجی دوران صفوی و قاجاری..... ۳۱۲
- فصل دهم: اولین مقاومت‌ها در برابر ازدواج کودکان (شکست سکوت)..... ۳۲۱
- فصل یازدهم: معرفی نمونه‌ای تاریخی..... ۳۲۷
- فصل دوازدهم: جمع‌بندی..... ۳۳۹
- لیست سفرنامه‌ها..... ۳۴۷
- منابع..... ۳۵۷



قرار ازدواج دو بخش متمایز دارد. قسمت اول قرار و مدارهایی است که والدین یا بستگان نزدیک عروس و داماد می‌گذارند. بستگان مرد باید عروس را به طور کامل امتحان کنند. دختر و مادرش و سایر زنان وابسته‌ی آنان به دیدار خویشاوندان مؤنث مرد می‌روند، و اغلب این نوع ملاقات در خانه‌ی دوستی انجام می‌شود. در اینجا، دختر باید چادر و چارقد خود را بردارد، سر و موهایش به دقت واریسی شود، حتی به بررسی بدن او می‌پردازند تا مطمئن شوند که سالم و تمیز است و نقصی ندارد. آن‌گاه، گفتگوهای متعددی در مورد مهریه و هزینه‌هایی که باید پرداخت شود و سهمی که در برپایی و سامان دادن خانه‌ی آینده هر یک از عروس و داماد باید به عهده گیرند و جهیزیه‌ای که باید فراهم کنند، انجام گیرد و پس از توافق بر سر آن‌ها، روزی مبارک برای مراسم نامزدی یا «شیرینی‌خوران» تعیین می‌شود. چنین تشریفات رسمی و شرعی است، و ملأ قرار دادی امضاء شده تهیه می‌کند که مفاد آن لازم‌الاجرا است. میان این بخش کار و قسمت دوم یعنی عروسی، چندین ماه و اگر عروسی خردسال باشد چندین سال، فاصله می‌افتد و پس از آن عروس به خانه‌ی شوهر می‌رود.

هنگامی که دختری به سن هشت یا نه سالگی می‌رسد، و گاه زودتر از آن، سر و صدا و هیجان زیادی به چشم می‌خورد، لباس‌های نو می‌خرند و به طور کلی همه چیز حال و هوای اسرارآمیزی به خود می‌گیرد. آن وقت، زمان رفتن به حمام عمومی که خیلی طول می‌کشد فرا می‌رسد؛ نه تنها مادر و دختر، که اغلب بیشتر به آن‌جا رفته‌اند، که زنان و دختران دیگر نیز با آن‌ها به حمام می‌روند. دست‌ها و پاهای دختر را حنا می‌بندند؛ و گاه با نیل نقش‌های ماهرانه‌ای بر پاهایش می‌اندازند.

موهای او را نیز حنا می‌بندند و آن‌ها را به زیباترین شکل ممکن از فرق سر تا پشت به چندین رشته می‌بافند. تمام توجه بر دختر متمرکز می‌شود و سر و صدا و شور و هیجان بسیاری وجود دارد. در حمام تعداد زیادی زن و بچه‌های دیگر هم هستند و به زودی در می‌یابند که آن دختر یک عروس است. احتمال دارد که زنان خویشاوند دختر هم بخواهند مسأله‌ای را از او پنهان دارند، اما پوشیده نگاه داشتن این امر بسیار مشکل است. زمانی که به خانه باز می‌گردند، سینی‌های شیرینی و بیسکویت و لباس وارد می‌شود که هدایایی از جانب داماد است. احتمال دارد دختر بچه بپرسد این‌ها برای چیست که پاسخ نادرستی به او می‌دهند، یا حقیقت را به او می‌گویند؛ در مورد دوم که حقیقت را برای او فاش می‌سازند اعتراض می‌کند: «نمی‌خواهم عروس شوم»، «من به درد شوهر کردن نمی‌خورم»؛ و از این قبیل حرف‌ها می‌زند. هیچ‌گاه آرزوها و نظر او پرسیده و در نظر گرفته نمی‌شود» (رایس، ۱۳۸۳: ۱۰۳-۱۰۲).

پیشگفتار

«کودک» در ازمنه تاریخ، به عنوان موجودی که دارای هویت و وجودی مستقل است و جایگاه خاص خود را در اجتماع دارد به حساب نمی‌آمد و این عضو کوچک جامعه بدون درک کامل دنیای کودکی با جبر جامعه‌ی خود بسیار زود به دنیای بزرگسالان ملحق می‌شد. فرایندی جبری که قبل از دوران معاصر تاریخی، غالب کودکان جهان آن را می‌پیمودند. توجه جامعه‌ی ایرانی به «کودک» نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. کودکان ایرانی به محض اینکه از شیر مادر محروم می‌شدند به عنوان بزرگسالانی در نظر گرفته می‌شدند که صرفاً از نظر جنه کوچک‌تر از آنان هستند. این نوع از تفکر در باب کودک را می‌توان به روشنی در طرز پوشش آنان مشاهده نمود. نکته‌ای که خارجیان سفر کرده به سرزمین ایران نیز بدان اشاره کرده‌اند. دويد (۱۳۷۱: ۳۲۷) بر نیمه برهنه بودن کودکان ایرانی و کلود انه (۱۳۷۰: ۲۱۸)، فورویه (۱۳۹۰: ۷۳) و دومرگان بر برهنه و لخت بودنشان تأکید کردند. دومرگان در این زمینه می‌نویسد:

«بچه‌ها تا سن ۶ یا ۸ سالگی تقریباً لخت‌اند، در زمستان گاهی آن‌ها را پیراهنی پنبه‌ای به تن می‌پوشانند» (۱۳۳۸: ۲۱۱).

وی در جای دیگری تصریح می‌کند؛

«اما درباره‌ی اطفال مثل آنکه برای آن‌ها لباسی وجود ندارد. تا هفت یا هشت سالگی تنها رخت پاره است که آن‌ها را می‌پوشاند. به این ترتیب آن‌ها در یک حالت برهنگی تقریباً کاملی در میان برف‌ها گردش می‌کنند. در تابستان، دختران و پسران کمتر از ۸ سال هیچ گونه لباسی نمی‌پوشند» (همان: ۳۱۲-۳۱۱).

علاوه بر این، کلارا رایس که در دوران قاجاریه، چهار بار به ایران سفر کرده و مدت‌ها در بیمارستان مبلغین مسیحی خدمت کرده، در این زمینه می‌نویسد:

«طرز لباس پوشیدن کودکان ایرانی، به بزرگترهایشان شباهت بسیاری دارد. رشد آنان از کودکان ما بیشتر است و چنان به سرعت بزرگ می‌شوند که دوختن لباس‌هایی متمایز برای آنان غیرضروری به نظر می‌رسد و به ظاهر مادران گمان می‌کنند که در دوختن لباس کودکان فکر و دقت به خرج دادن کاملاً بی‌فایده است. همه نوزادان قنداق می‌شوند و تقریباً پس از بیرون آمدن از قنداق لباس بزرگسالان را بر آن‌ها می‌پوشانند» (۱۳۸۳: ۱۲۰).

هم‌چنین در سال ۱۸۸۱ میلادی دیولافوا شرحی راجع به پوشش کودکان ایرانی باقی گذاشت. وی اذعان نمود:

«در ایران اطفال مانند کودکان اروپایی دارای لباس مخصوصی نیستند. پسران و دختران کوچک هم مانند مردان و زنان لباس می‌پوشند و فقط کلاه پسران با مردان تفاوت دارد» (۱۳۷۱: ۱۴۶).

عدم وجود تفاوت میان پوشش کودکان ایرانی و بزرگسالان را پیر لوتی نیز بیان نموده است. وی در باب مشاهدات خود در میان ایرانیان، چنین می‌نویسد:

«پسر بچه‌های کوچک را مشاهده می‌کنیم که مانند مردان، لباس‌های دراز به تن و کلاه‌های سیاه بلند بر سر دارند» (۱۳۲۶: ۶۳).

علاوه بر «شخص کودک» که ذکر آن رفت، «مفهوم کودکی» نیز، مانند

بسیاری از مفاهیم دیگر، در برهه‌ی زمانی طولانی از تاریخ، در عین اهمیت و افری که داشته، مورد توجه نبوده است. «نادیده‌انگاری» و «بی‌توجهی» به مفهوم کودک منجر به گسترش این باور گسترده شد که کودک به عنوان عضوی از جامعه است که «به دلیل عدم تجهیز به مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز نقش‌ها، نقش مؤثری در سازمان اجتماعی ندارد» (کرمانی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۳: ۷).

«دوران کودکی» نیز مانند «مفهوم کودکی» در طول تاریخ نادیده گرفته می‌شد. به رغم اهمیت اجتماعی‌ای که دوران کودکی برخوردار است، این دوران در علوم اجتماعی نیز نمود چندانی نداشته و به مثابه‌ی حوزه‌ای مهم برای دانشمندان اجتماعی محسوب نمی‌شده است. تنها در دهه‌های اخیر است که توجه اندیشمندان روان‌شناس به ویژه روان‌شناسان رشد، انسان‌شناس و تاریخ‌دانان بدان جلب شده است. اما در کنار نگاه‌های علمی دیگر مانند انسان‌شناسانه، تاریخی و... حضور و وجود نگاه جامعه‌شناسانه نیز بیش از پیش احساس می‌شد. چرا که «شرحی مناسب از چگونگی کار جامعه باید شامل تمام اعضای تشکیل‌دهنده‌ی آن باشد: گروه‌های اجتماعی متفاوتی که جامعه را تشکیل می‌دهند» (مایال، ۱۳۹۵: ۸۳). توجه علم جامعه‌شناسی به این دوران حساس و مهم به عنوان موضوعی مستقل و منفک از جامعه‌شناسی خانواده و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، مربوط به دهه‌ی اخیر می‌شود. در حقیقت، در دهه‌ی اخیر است که جامعه‌شناسی پدیده کودکی و موضوعات و مسائل مربوط به این دوران را به شکلی جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد (جیمز و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۱). یکی از این مسائل مربوط به «ازدواج» است که از آن به عنوان «ازدواج کودکان» یاد می‌شود.

کودکانی که در دنیای امروز با ازدواج پیش از موعد، به یکباره و به

شکلی ناگهانی وارد دنیای بزرگسالی می‌شوند، با مسائل و مشکلاتی مواجه می‌شوند که شناخت این مسائل نیازمند مطالعات علمی دقیق و موشکافانه است. اما هر مطالعه‌ای در باب پدیده‌های اجتماعی به صورت عام و ازدواج کودکان به صورت خاص باید با نگاهی به گذشته و تاریخ پدیده‌ی مورد نظر صورت پذیرد. در حقیقت شناخت درست هر پدیده‌ی اجتماعی می‌بایست با توجه به تمامی جنبه‌های فعلی و شرایط تاریخی آن پدیده انجام گیرد، چرا که تغییر و پویایی هرچند که در زمان کنونی با سرعتی بسیار بیشتر از گذشته به پیش می‌رود، همیشه همراه جوامع و پدیده‌های اجتماعی بوده و شناخت آن‌ها منحصر به بررسی آن‌ها در زمان حال نمی‌شود. بلکه دانشمندان برای درک و تبیین کامل وقایع اجتماعی، به گذشته‌ی دور یا نزدیک پدیده‌ها نیز توجه می‌کرده‌اند. این تلقی از جامعه‌شناسی و به قول آگوست کنت^۱ جامعه‌شناسی پویا (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۷)، نیازمند شناخت تاریخی است؛ چرا که پدیده‌های اجتماعی اغلب ریشه‌ای کهن دارند و علل آن‌ها را باید در زمان‌های دور جست و جو کرد.

بر همین مناسبت که می‌توان گفت در هر مطالعه‌ای ابتدا باید به درکی از «بودن‌ها» رسید تا بتوان به شناختی از «شدن‌ها» دست یازید. چرا که شرایطی ازدواج کودکان در دوران کنونی، حاصل یک وضعیت و شرایط پیشینی است که تا آن شناخته نشود، این نیز شناخته نخواهد شد.

با نگاهی کلی به گذشته، می‌توان دریافت که ازدواج و تشکیل خانواده، طی قرون متمادی یکی از ارزش‌های جامعه ایرانی بوده است؛ به گونه‌ای که چارچوب‌های ذهنی ایرانیان (اعم از آیین زرتشتی یا تفکر اسلامی) نه تنها به طور عمومی با آن منافات نداشته، بلکه از آن پشتیبانی نیز کرده

است. اما پژوهش‌های مرتبط با تاریخ ازدواج در ایران، تاکنون عمدتاً مسائلی چون نگاه‌های کلی به «ازدواج در ایران پیش از اسلام»، «نقش اسلام در بیان اهمیت نهاد خانواده» و به طور کلی به اثبات اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در جامعه ایرانی متمرکز بوده‌اند. لذا پژوهشی که به طور جداگانه به مسئله‌ی «سن ازدواج» و به گفتاری دقیق‌تر «ازدواج کودکان» در دوران گذشته پردازد و ابعاد مختلف آن را مدنظر قرار داده باشد، وجود ندارد. این خلأ مطالعاتی منجر گردید تا کتاب پیش‌رو جهت افزودگی معرفت علاقمندان به حوزه‌ی مطالعات دوران کودکی و به ویژه ازدواج کودکان به نگارش درآید.

این کتاب درصدد پاسخگویی به سؤالاتی از این دست است: متون در دسترس نظیر سفرنامه‌ها در مورد جایگاه و سن ازدواج به ما چه می‌گویند؛ وضعیت واقعی سن ازدواج در ایران چگونه بوده است؛ آیا «ازدواج کودکان» ویژگی‌ای دیرینه در تاریخ و جامعه‌ی ایرانی بوده است؛ آیا ازدواج کودکان بخشی از تاریخ فرهنگی-اجتماعی ایران بوده؛ آیا ازدواج کودکان همواره به مثابه‌ی ویژگی‌ای فرهنگی مورد تأکید و سفارش بوده یا به مثابه‌ی «عملکرد» در رفتار مردم مشاهده می‌شده است؛ آیا به راستی ایران جامعه‌ای بود که ازدواج کودکان در آن امری رایج و عمومی محسوب می‌شد یا اینکه این امر فقط ساخته و پرداخته‌ی ذهن کسانی است که با استناد به برخی موارد عینی و تجربی، حکم به عمومیت ازدواج کودکان در ایران داده‌اند؛ علل زمینه‌ساز و پیامدهای ازدواج کودکان چه بوده است و... .

بدین منظور، به بررسی دو دوره‌ی تاریخی نه چندان دور از تاریخ ایران بعد از اسلام پرداخته خواهد شد: دوران صفویه و دوران قاجاریه. دوران صفویه با سلطنت ۲۲۸ ساله، با سلطنت شاه اسماعیل بن شیخ حیدر در سنه‌ی ۹۰۶ قمری شروع می‌شود که وی به مدت ۲۴ سال سلطنت کرد و

در سنه‌ی ۹۳۰ هـ ق وفات یافت. دومین پادشاه، شاه طهماسب بن شاه اسماعیل که بر جای پدر نشست و ۵۴ سال سلطنت کرد و عمرش ۶۳ سال و اندی بود. سوم، شاه اسماعیل بن شاه طهماسب در سنه‌ی ۹۸۴ در ۳۸ سالگی بر جای پدر نشست و سلطنت او یکسال و هفت ماه بود. چهارم، سلطان محمد خدابنده در ۹۸۵ به مدت ده سال بر تخت شاهی نشست. پنجم، شاه عباس پسر سلطان محمد در سنه‌ی ۹۹۸ در سن ۱۸ سالگی به مدت ۴۲ سال سلطنت کرد. ششم، شاه صفی بن صفی میرزا بن شاه عباس بزرگ به مدت ۱۴ سال پادشاهی کرد. هفتم، شاه عباس ثانی صفوی ابن شاه صفی در تاریخ ۱۰۵۲ هجری قمری در دوازده سالگی و به مدت ۲۵ سال فرمانروایی نمود. هشتم، شاه سلیمان بن شاه عباس ثانی در سنه‌ی ۱۰۷۰ به مدت بیست و هشت سال سلطنت کرد و در سن ۴۸ سالگی فوت کرد. نهم، شاه سلطان حسین بن شاه سلیمان در سنه‌ی ۱۱۰۳ به مدت نه سال بر تخت شاهی جلوس کرد و تاج و تخت را به محمود افغان تسلیم نمود (کروسینسکی، ۲۳: ۱۳۶۳-۲۲).

بعد از پایان یافتن دوران طولانی پادشاهی صفویان، مدتی سرزمین ایران به صورت غیر یکپارچه و به شکلی تکه پاره اداره شد تا اینکه عصر قاجار آغاز گردید. این عصر، دوره‌ای نسبتاً طولانی از تاریخ ایران بعد از به پایان رسیدن دوران صفویه است که بیش از همه به دوره ضعف و زبونی سیاسی و فرهنگی در پرتو انعقاد قراردادهای سیاسی و نفوذ نیروهای بیگانه شهرت یافته است. بی‌سوادی، عدم تدوین منشور قانونی، ناآگاهی از حقوق سیاسی و اجتماعی، ناآشنایی با علوم مدرن و... از جمله عوامل وجود چنین شرایطی دانسته می‌شود. هرچند که همه‌ی این‌ها زمینه‌ساز بروز تجددخواهی و مشروطیت شده است. این دوران که به مدت ۱۳۰ سال به طول انجامید با سلطنت آقامحمدخان به عنوان بنیان‌گذار این سلسله از سال

۱۱۷۳ خ./۱۷۹۴ م. شروع و به مدت سه سال به درازا کشید. بعد از وی، فتحعلی‌شاه به مدت ۳۶ سال و ۸ ماه تا ۱۲۱۳ خ./۱۸۳۴ م.؛ محمدشاه به مدت ۱۴ سال تا ۱۲۲۷ خ./۱۸۴۸ م.؛ ناصرالدین‌شاه به مدت ۴۸ سال تا ۱۲۷۵ خ./۱۸۹۶ م.؛ مظفرالدین‌شاه به مدت ۱۰ سال تا ۱۲۸۵ خ./۱۹۰۷ م.؛ محمدعلی‌شاه به مدت سه سال تا ۱۲۸۸ خ./۱۹۰۹ م. و در نهایت احمدشاه به مدت ۱۶ سال تا ۱۳۰۴ خ./۱۹۲۵ م. بر اریکه‌ی قدرت نشستند. بعد از پایان سلطنت احمدشاه، دودمان پهلوی با سلطنت رضاشاه پهلوی، جای قاجاریان را گرفتند.

کتاب حاضر در دوازده فصل تنظیم شده است. در فصل نخست به بیان کلیات و تعریف مفاهیم اساسی در حوزه‌ی ازدواج کودکان پرداخته شد. در فصل دوم عمومی بودن ازدواج کودکان ایرانی در دو دوره‌ی مورد بحث، تشریح گردیده و در فصل سوم و چهارم به ترتیب، به معیار ازدواج کودکان و غیرشخصی بودن آن اشاره شد. تشریح تشریفات ازدواج کودکان بر اساس تفاوت‌های دینی و قومی در فصل پنجم صورت گرفت. در فصل‌های شش تا هشت نیز به علل، پیامدها و راهکارهای ازدواج کودکان پرداخته شد. در باب ناهمسانی‌های سنی ازدواج کودک-دختران نیز در فصل نُه توضیح داده شد. در فصل دَه اولین مقاومت‌هایی که در برابر ازدواج کودکان در حوزه‌های نظم و نثر شکل گرفت، تشریح گردید. در فصل یازدهم، نمونه‌ای تاریخی از این پدیده را در دوران قاجار مورد بررسی قرار داده که برگرفته از کتاب خاطرات تاج‌السلطنه - دختر ناصرالدین شاه قاجار- بوده است و در نهایت در فصل دوازدهم، به جمع‌بندی مباحث مطروحه در کتاب پرداخته شد.